راه کار های مبارزاتی رادیکال در ایران از فرامرز دادور

در میان مسایل بیشمار در مقابل جنبش کارگری رادیکال و سوسیالیستی در ایران، موضوع تکلیف واقعگرایانه اهمیت فوق العاده دارد. در ایران حدود 26 میلیون نفر شاغل هستند که فقط نیمی از آنها تمام وقت کار میکنند. 50 درصد در خدمات، 30 درصد در صنعت و 8 درصد در کشاورزی اشتغال دارند. اقتصاد عمدتا در راستای فعالیتهای غیر مولد (ب.م. تجاری، مستغلات و بانکی) گرایش میابد و با افزایش بحران در در حیطه تولید ارزش اجتماعی، " انباشت زدائی " و فرار سرمایه به خارج از کشور، فقر و نا عدالتی اوج بیسابقه یافته است. علاوه بر معضلات عمیق اقتصادی، بخاطر تداوم اختناق تئوکراتیک و سیاستهای سرکوب گرانه و فاشیستی، متاسفانه فضای سیاسی برای ظهور مخالفت ها و اعتراضات سازمان یافته اپوزیسیونی وجود ندارند. با این حال، در سالهای اخیر، حرکتِ های درست و مناسب با واقعیت جامعه در میان جنبشهای مردمی و از چمله فعالان کارگری ظهور یافته که ستمگری اصلی آن کمک به شکل گیری تشکل های کارگری و مردمی بویژه از نوع سراسری آن میباشد.

برای نمونه، در روزهای 13 و 14 مرداد (4 و 5 اوت 2019) تعداد زیادی از معلمان شاغل و باز نشسته در شهرهای تهران، اهواز، کرمانشاه، تبریز . اصفهان، بگونه ای سراسری و تحت هدایت.شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان، برای پیگیری خواستهای صنفی و دمکراتیک معلمان به تجمع اعتراضی اقدام نمودند. در میان بیانیه ها، مطالبات مشترکی مانند آزادی فعالان صنفی فرهنگی، آزادی تشکل های معلمان، توقف سیاست پولی سازی مدارس، پرداخت معوقات و ارتقای حقوق به بالاتر از حد خط فقر هفت میلیونی وجود داشت (اخبار روز، 5 اوت). انجام این کارزار از سوی شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان، از جمله راهکارهای کنش گرانه ای است که در نبود آزادیهای دمکراتیک و تشکل های مستقل و قانونی، به اشکال مختلف برگزار میگردد. هم اکنون برخی از معلمان فعال و ازجمله اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی لنگ رودی، عبدل رضا قنبری و محمد ثانی در زندان بسر میبرند.

یک اقدام کنش گرانه دیگر، شکلگیری تجمع سراسری بازنشست گان به نام "اتحاد سراسری بازنشست گان ایران" است که بنا بر منشور خود

برای "بهبود شرایط زندگی" و "دفاع از حقوق مادی و معنوی و حیثیت اجتماعی بازنشستگان و مستمری بگیران" فعالیت میکند (اخبار روز 4 اوت 2019). مبارزه برای "مستمری متناسب"، "درمان و بهداشت همه جانبه"، "امکان دخالتگری…برای …نظارت بر صندوق های بازنشستگی"، احیای شورای عالی تامین اجتماعی و ایجاد نهاد های شورایی با حضور اکثریت قاطع نمایندگان کارگران و کارمندان در آنها، بخشی از حیطه فعالیتهای آن است. اتحاد برای ایجاد مناسبات تضمین کننده این ردیف از منافع و در پیگیری برای آنها، استفاده از « راهکارهای اعتراضی مسالمت آمیز» را توصیه میکند. اینکه در مقابل، رژیم چگونه به واکنشهای سرکوبگرانه ادامه بدهد، به سطح توانمندی اتحاد بستگی خواهد داشت.

در ایران در میان شاغلین (26 میلیون)، 14 میلیون ار آنها کارگر خطاب میشوند (تنها منبع مالی آنها فروش نیروی کار است) که اکثریت آنها (کارگران، کارمندان، معلمان، پرستاران، …) بعلاوه خانواده شان تقریبا جمعیتی بین 40 و 50 میلیون را تشکیل میدهند که به لحاظ اقتصادی از زمره زحمتکشان و محرومین بشمار میایند. در نبود آزادیهای دمکراتیک و نیروهای قدرتمند اپوزسیون در صحنه علنی فعالیتهای جامعه، بدیهی است که استفاده از هر نوع امکان عملی برای حضور (قانونی، غیر قانونی و در صورت امکان بطور علنی) در امور جامعه مفید میباشد. انتشار بیانیه اولیه برای استعفای خامنه ای و اطلاعیه های حمایت از آن، از جمله راهکارهای مبارزاتی است که در نبود حقوق مدنی به اشکال گوناگون عمل میکنند.

البته مهم است که همچنان در دستاوردهای تئوریک ارتقاء حاصل گردد. در تاریخ جنبش کمونیستی از ایده ها و اشکال متفاوت برای سازماندهی پرولتری استفاده شده و مثلا کمون پاریس، همچون یک شکل سیاسی متاثر از کنش انقلابی به مثابه یک پارلمان نوین دمکراتیک، مبتنی بر جدائی قوای قانون گذار و اجرائی و بدون استیلای بوروکراسی برای یک مدت کوتاه بمثابه حکومت پرولتری عمل نمود. در عین حال، نیل به ایجاد شورای کارگری، همواره بعنوان یک شکل خود سازمان یافته کارگری که توانسته باشد مدیریت اقتصادی غیر استثماری را با اداره غیر ستمگرانه سیاسی و اجتماعی گره زده هدف اصلی بوده و میباید از ورای مشخصات مناسبات اقتصادی در این دوران گذار به سوسیالیسمِ، حاصل گردد.

اما بهرحال، برای جنبش سوسیالیستی که خواهان ایجاد جامعه انسانی عادلانه و آزاد، مبتنی بر کنترل و مالکیت اجتماعی بر فعالیتهای

اقتصادی در اشکال خود مدیریتی (موسسات اشتراکی و تعاونی، غیره)، و اداره جمعی جامعه در اشکال خود گردانی (شوراها، انجمنها ، غیره) میباشد، مهم است که پیشاپیش و از مرحله کنونی، برای ایجاد تجمع های دمکراتیک سیاسی و اجتماعی (کانون، اتحادیه، سازمان، حزب، جبهه، غیره) و بر مبنای سمتگری طبقاتی، البته با تو چه به زمینه های موجود اجتماعی برای هدف نهایی یعنی ایجاد مناسبات مبتنی بر تولید و توزیع بر اساس اصل هرکس به اندازۀ توانائی اش و به هرکس به اندازۀ کارش، مبارزه نماید.

فرامرز دادور

16 اوت 2019